



جیسون دمارس
خدمت حقیقت حاضر
فوریه ۲۰۱۹

عیسی مسیح دیروز و امروز و تا ابدالآباد همان است.

عبرانیان ۸:۱۳

در سال ۲۰۱۰ و ۲۰۱۱، هر سه ماه یکبار نامه‌ای تعلیمی می‌نوشتیم، که به زبان فارسی و اردو ترجمه می‌شد. ما شهادت‌های بسیاری در مورد مقالاتی که نوشته شد، دریافت نمودیم. از آنجا که سؤالاتی در مورد بسیاری از موضوعات و مطالب وجود دارد و همچنین تمایل زیاد به یادگیری و رشد کردن وجود دارد، این مسئولیت و انگیزه را حس نمودم که بار دیگر در بهار سال ۲۰۱۶ آن را آغاز نمایم. هدف و خواست ما ایستادن در تعالیم برادر برانهام و نشان دادن واضح آن تعالیم می‌باشد. این مسئولیت و کاری است که من برای آن فراخوانده شده‌ام.

نسخه‌ی ماه فوریه، دو موضوع مهم را پوشش می‌دهد:

۱. ازدواج، طلاق و ازدواج مجدد
۲. چگونه حقایق کتاب مقدس را ثابت کنیم؟

ازدواج، طلاق و ازدواج مجدد

من چند توضیح درمورد آموزه‌ی ازدواج، طلاق و ازدواج مجدد دارم و برای توضیح دادن آموزه‌های کتاب مقدس از آیات کلام، سخنان برادر برانهم و توضیحات کوتاه استفاده می‌کنیم. اراده‌ی کامل خدا این است که دو ایماندار استوار تا آخر عمر به هم بپیوندند. تعهد ما در ازدواج پیمانی است که در حضور خدا واردش می‌شویم. ما تا به مرگ به هم متعهد می‌شویم. برای ایمانداران هرگز هیچ دلیلی برای طلاق گرفتن وجود ندارد. هرگز شرایطی وجود ندارد که ما نتوانیم از طریق ایمان و قدرت بر آن غلبه کنیم. همه‌ی ما در زندگی زناشویی مان با درد و ناراحتی و ناامیدی روبرو می‌شویم. این برای هر زن و شوهری عادی است و عشق می‌تواند تمام اینها را حل می‌کند. شوهر سر زن است، این به این معنی است که او رهبر روحانی و شروع کننده است. این همچنین به این معنی است که او باید مسائل مالی و خانه را اداره کند. این بدین معنی نیست که او بدون مشورت با همسرش هر کاری که می‌خواهد بکند، چون کتاب مقدس می‌گوید این تعهد باید دو طرفه باشد. همسر باید مطیع رهبری و سر بودن شوهرش باشد. شوهر باید یک رهبر خادم باشد. او افکار و علایق همسرش را در نظر می‌گیرد و به آنها احترام می‌گذارد و هر روزه زندگی‌اش را وقف همسرش می‌کند. همسر باید با احترام کنار شوهرش زندگی کند و شوهر باید به شیوه‌ای زندگی کند که همسرش به او احترام بگذارد. آنها مانند یک تیم در زندگی با هم کار می‌کنند و مرد حرف آخر را می‌زند، اما در نهایت شوهر باید بداند که خود او نیز تحت سر بودن عیسی مسیح است. ما بعنوان مرد باید رهبر خانه باشیم، اما این رهبری از خواست و علایق ما سرچشمه نمی‌گیرد، بلکه این رهبری تماماً تسلیم عیسی مسیح است، تا مسیح خانه و خانواده را از طریق شوهر و همکاری همسر رهبری کند. از آنجا که گزینه‌ی طلاق وجود ندارد، آنها در هر مشکلی سعی می‌کنند که راه حلی برای ادامه‌ی یک رابطه‌ی عاشقانه و شاد پیدا کنند.

متأسفانه ما در یک دنیای ناقص زندگی می‌کنیم و مردم تسلیم عیسی مسیح،

مهربان، بخشنده و متعهد نیستند، به همین دلیل طلاق رخ می‌دهد. مردم بسیار به خود می‌بالند که حق با آنهاست و شریک زندگی‌شان اشتباه می‌کند. آنها اصلاح، توبه و محبت را نمی‌پذیرند. برخی چنان سنگدل هستند که دیواری دور زندگی‌شان می‌کشند تا شریک زندگی‌شان نتواند داخل شود. ما نیاز داریم توسط شریک زندگی‌مان اصلاح شویم، نه اینکه تسلیم غرور شده و از گوش دادن و یادگیری بپرهیزیم. ما نمی‌توانیم رازی را از هم پنهان کنیم یا نخواهیم دلمان را برای او باز کنیم.

طلاق و ازدواج مجدد

در زمان عیسی مسیح، طلاق و ازدواج مجدد شایع بود و فرقه‌های مختلف تعلیم می‌دادند که یک مرد می‌تواند با یک دلیل ناچیز مانند بد درست کردن شام همسرش را طلاق دهد. آنها نزد خداوند عیسی رفتند و از او پرسیدند، به چه دلیل مرد می‌تواند همسر خود را طلاق دهد؟

۳ پس فریسیان آمدند تا او را امتحان کنند و گفتند، آیا جایز است مرد، زن خود را به هر علتی طلاق دهد؟^۴ او در جواب ایشان گفت، مگر نخوانده‌اید که خالق در ابتدا ایشان را مرد و زن آفرید،^۵ و گفت، از این جهت مرد، پدر و مادر خود را رها کرده، به زن خویش بپیوندد و هر دو یک تن خواهند شد؟^۶ بنابراین بعد از آن، دو نیستند، بلکه یک تن هستند. پس آنچه را خدا پیوست، انسان جدا نسازد.^۷ به وی گفتند، پس از بهر چه موسی امر فرمود که زن را طلاق‌نامه دهند و جدا کنند؟^۸ ایشان را گفت، موسی به سبب سنگدلی شما، شما را اجازت داد که زنان خود را طلاق دهید. لیکن از ابتدا چنین نبود.^۹ و به شما می‌گویم هر که زن خود را بغیر علت زنا طلاق دهد و دیگری را نکاح کند، زانی است و هر که زن مطلقه‌ای را نکاح کند، زنا کند.^{۱۰} انجیل متی ۱۹: ۳-۹

عیسی به آنها می‌گوید تنها دلیل حقیقی که آنها می‌توانند همسرشان را طلاق

دهند، زنا کردن همسر است. هیچ دلیل شرعی دیگری وجود ندارد. او همچنین اضافه کرد اشخاصی که به دلیلی غیر از زنا طلاق گرفته و ازدواج مجدد کنند، مرتکب زنا شده‌اند. توجه داشته باشید که خداوند عیسی در مورد طلاق و ازدواج مجدد زن چیزی نمی‌گوید. در این مورد فقط می‌گوید که زن دیگر نمی‌تواند ازدواج کند. این چیزی است که برادر برانهام در ادامه توضیح می‌دهد:

"۲۲۷. می‌بینید، او یک شوهر زنده دارد، هیچ مردی نمی‌تواند با او ازدواج کند. مهم نیست که کیست و چکار می‌کند، او یک شوهر زنده دارد و به هیچ عنوان دلیلی برای او وجود ندارد. ولی این مربوط به مرد نیست. «باعث زناى زن می‌شود»، نه مرد. متوجه می‌شوید؟ باید عمل کلام را در تداوم ببینید. می‌بینید؟ هیچ چیزی نمی‌گوید که مرد نمی‌تواند، اما زن نمی‌تواند. می‌بینید، «باعث زناى زن می‌شود»، نه مرد. این دقیقاً چیزی است که کتاب مقدس می‌گوید، «باعث زناى زن می‌شود»، این برضد ازدواج مجدد گفته نشده است، «بلکه زن». چرا؟ مسیح در یک نماد.

۲۲۸. توجه کنید، اعلام شده است که مرد نمی‌تواند ازدواج مجدد داشته باشد، مگر فقط با یک باکره. مرد می‌تواند دوباره ازدواج کند. اگر یک باکره باشد، مرد می‌تواند دوباره ازدواج کند، ولی نمی‌تواند با همسر یک مرد دیگر ازدواج کند، به هیچ عنوان. و اگر مرد با یک زن مطلقه ازدواج کند، دارد در زنا زندگی می‌کند. اهمیتی نمی‌دهم که چه کسی باشد. کتاب مقدس می‌گوید: "هر که زن مطلقه را نکاح کند، زنا کرده باشد." بفرمایید، با یک مطلقه نه.

۲۲۹. اکنون آن اصلی، یعنی «در ابتدا» را در آنجا می‌بینید؟ ازدواج مجدد. حالا دقت کنید. مرد می‌تواند، ولی زن نمی‌تواند، مثل داود، مثل سلیمان، تداوم در کتاب مقدس، مثل داود و سایر آنها.

۲۳۰. توجه کنید که در اول قرن‌های ۱۰:۷ پولس حکم می‌کند زنی که از شوهرش جدا شده، باید با شوهر خود صلح کند، نه اینکه ازدواج مجدد کند، باید مجرد باقی بماند. ولی توجه کنید، مرد، او این را هرگز در مورد مرد نگفت. می‌بینید، نمی‌توانید

باعث دروغ گفتن کلام بشوید. «در ابتدا»، سکس توسط چند همسری. حال، کلام خدا در راستی و هماهنگی با ذات خداست و در تداوم قرار دارد.

۲۴۳. ولی برای مشخص کردن این ازدواج و طلاق که شما بدانید کدام درست بود و کدام غلط، اکنون او به وضوح در این نمادها این را نشان می‌دهد. یک مسیح هست و اعضای بسیار از یک همسر. توجه داشته باشید، او می‌تواند ما را بخاطر زنای روحانی و تعلیم غلط کنار بگذارد، هر زمانی که بخواهد. ولی شما چگونه جرات می‌کنید که سعی کنید او را کنار بگذارید و موفق شوید؟ مرد می‌تواند همسر خود را کنار بگذارد و با یکی دیگر ازدواج کند، ولی زن نمی‌تواند شوهرش را کنار بگذارد و دوباره ازدواج کند. می‌بینید که تمام این سایه‌ها و نمادها در تعادل و توازن کامل قرار دارند؟ خلقت اصلی را می‌بینید، نه محصول جانبی، در هیچ کجا. نه کلیسا، عروس از طریق کلام، هر بار، نه زن، بلکه مرد. بخاطر همین است که هرگز چیزی برضد مردی که این کار را بکند، نمی‌گوید، همیشه زن است.^۱

توجه داشته باشید در رومیان ۷:۲-۳ پولس بار دیگر به همسر اشاره می‌کند، نه شوهر:

"^۲ زیرا زن منکوحه برحسب شریعت به شوهر زنده بسته است، اما هرگاه شوهرش بمیرد، از شریعت شوهرش آزاد شود. ^۳ پس مادامی که شوهرش حیات دارد، اگر به مرد دیگر پیوندد، زانیه خوانده می‌شود. لکن هرگاه شوهرش بمیرد، از آن شریعت آزاد است که اگر به شوهری دیگر داده شود، زانیه نباشد."^۱

پولس این صحبت را بار دیگر در اول قرنیتیان ۷:۱۰-۱۱ تکرار می‌کند:

"^{۱۰} اما منکوحان را حکم می‌کنم و نه من بلکه خداوند که زن از شوهر خود جدا

^۱ ۲۲۱م-۶۵، ازدواج و طلاق، برادر ویلیام ماریون برانهام

نشود؛^{۱۱} و اگر جدا شود، مجرد بماند یا با شوهر خود صلح کند؛ و مرد نیز زن خود را جدا نسازد.^{۱۲}

زن نمونه‌ی کلیسا است، کلیسا نمی‌تواند مسیح را کنار بگذارد، اما زمانی که کلیسا مرتکب زنا‌ی روحانی علیه او می‌شود، مسیح می‌تواند کلیسا را کنار بگذارد.

"زیرا که شوهر سر زن است، چنان‌که مسیح نیز سر کلیسا و او نجات دهنده‌ی بدن است." افسسیان ۵:۲۳

توجه داشته باشید که خود عیسی شرط طلاق زن به دلیل زنا را می‌گوید و فقط به مرد اشاره می‌کند:

"لیکن من به شما می‌گویم، هر کس بغیر علت زنا، زن خود را از خود جدا کند باعث زنا کردن او می‌باشد، و هر که زن مطلقه را نکاح کند، زنا کرده باشد." انجیل متی ۵:۳۲

در اینجا متن متفاوتی را در مورد این پرسش و پاسخ در انجیل مرقس می‌بینیم:

"گفتند، موسی اجازت داد که طلاق‌نامه بنویسند و رها کنند.^۵ عیسی در جواب ایشان گفت، به سبب سنگدلی شما این حکم را برای شما نوشت.^۶ لیکن از ابتدای خلقت، خدا ایشان را مرد و زن آفرید.^۷ از آن جهت باید مرد پدر و مادر خود را ترک کرده، با زن خویش پیوندد،^۸ و این دو یک تن خواهند بود چنان‌که از آن پس دو نیستند، بلکه یک جسد.^۹ پس آنچه خدا پیوست، انسان آن را جدا نکند.^{۱۰} و در خانه باز شاگردانش از این مقدمه از وی سؤال نمودند.^{۱۱} بدیشان گفت، هر که زن خود را طلاق دهد و دیگری را نکاح کند، بر حق وی زنا کرده باشد.^{۱۲} و اگر زن از شوهر خود جدا شود و منکوحه دیگری گردد، مرتکب زنا شود." انجیل مرقس ۱۰:۴-۱۲

در اینجا خداوند عیسی هیچ شرطی برای طلاق قرار نمی‌دهد. او به سادگی

می‌گوید که اگر دو نفر طلاق بگیرند و ازدواج مجدد کنند، مرتکب زنا شده‌اند. درحالی‌که او در دو آیه از کتاب انجیل متی، زنا را دلیلی برای ازدواج مجدد می‌داند و مشخصاً اعلام می‌کند که اگر مرد همسرش را طلاق دهد و آن زن ازدواج مجدد کند، مرد باعث می‌شود که زنش وارد زنا شود. کمی جزئیات را بسط دهیم، موقعیتی داریم که زن پیش از ازدواج به شوهرش دروغ گفته و قبل از ازدواج زنا کرده است.

"زنی چند وقت پیش آمد و گفت: "آه، من به همه چیز اعتراف کردم." او عصبی و شکسته بود و گفت: "همه چیز را نزد خدا اعتراف کردم." من گفتم: "باید نزد شوهرت اعتراف کنی. شما نسبت به خدا زنا نکردید، بلکه نسبت به شوهرتان." درست است. و اگر مردی با زنی ازدواج کرد که زندگی ناپاکی قبل از ازدواج داشت، سپس زن نزد او می‌آید. اگر آنها برای مدت طولانی با هم زندگی مشترک داشته و بعد همسر بیاید و بگوید: "عزیزم! می‌خواهم چیزی را به تو بگویم. من با مرد دیگری رابطه داشتم، این را هرگز به تو نگفتم." عیسی گفت که او این حق را دارد که همسرش را کنار بگذارد و با دیگری ازدواج کند، درواقع آنها از ابتدا به هم نپیوسته بودند، چون زن به او دروغ گفته بود."^۲

ابطال و طلاق

یک مورد دیگر که پیش آمد این بود: آیا ابطال با طلاق فرق دارد؟ برادر برانهام در این مورد چنین می‌گوید:

"۱۵۶. این سؤال چند روز پیش پرسیده شد که: "آیا ابطال همان طلاق است؟" می‌بینید؟ دوستان! وقتی شما این سؤالات را از من می‌پرسید، نمی‌دانید که آنها با

^۲ ۵۹-۰۶۲۸E، پرسش و پاسخ، برادر ویلیام ماریون برانهام

من چه می‌کنند. بسیاری از دوستان من در اینجا نشسته‌اند که دو یا سه بار ازدواج کرده‌اند. آیا متوجه شده‌اید که رو به پسر خودم، بیلی پاول^۳ هم صحبت می‌کنم؟ آیا از بیلی پاول خواهم گذشت؟ نه. بیلی پاول با یک دختر ازدواج کرد. او نزد من آمد و گفت: "بابا! می‌خواهم ازدواج کنم." من در حال شستن ماشین بودم. گفتم: "سرت را بکوب به دیوار." و به شستن ماشین ادامه دادم. او گفت: "من دارم ازدواج می‌کنم." گفتم: "اوه، ادامه بده." و همین‌طوری ادامه دادم. او نزد مادرش می‌رود و به او می‌گوید. مادرش به او خندید. می‌دانید او چکار کرد؟ او با این دختر بچه که هنوز مدرسه می‌رفت، فرار و ازدواج کرد. ما عروسی را باطل کردیم، اما او ازدواج کرده بود. او پسر است، حالا آنجا نشسته و به من گوش می‌دهد. دقیقاً همین است. او به همراه دختری (عروس) که هم اکنون با او زندگی می‌کند، نزد من آمد. نوهی کوچکم... او گفت: "بابا! ما رو به عقد هم در می‌آوری؟" و من گفتم: "هرگز." او پسر خودم است. فکر می‌کنید این موضوع عمق وجود من را آزار نمی‌دهد؟ من او را همیشه در آغوش گرفته و هر کاری توانستم برایش کرده‌ام، من برای او هم پدر بودم و هم مادر. فکر می‌کنید گفتن این حرف من را آزار نمی‌دهد؟ اما حقیقت این است. یقیناً. پسر، عروس و نوهام هم اکنون اینجا نشسته و گوش می‌دهند... اما به او می‌گویم که این کار اشتباه بود. می‌بینید؟ چون باید این کار را کنم. من نسبت به کلام خدا موظفم.

۱۶۰. و من می‌گویم: "تو توسط یک بخش دلتی ازدواج کردی؟ تو باید توسط کلیسا و یک خادم ازدواج می‌کردی. کار درست برای یک مسیحی این است. اما از آنجا که تو ۲۱ سال پیش عهد و وعده‌ات را ادا کرده‌ای، پس فکر کنم همه چیز درست است." "من رباکار هستم، اگر اینجا بایستم و چون پسر که آنجا نشسته است به یک دختر وعده داده بود، و من گفتم... اگر متن ازدواج برای او خوانده نشده و با او ازدواج کرده، یا با او خوابیده، یا هر چیز دیگری، مهم نیست؛ زمانی که او عهد ازدواج را انجام

^۳ Billy Paul

داده باشد؛ او ازدواج کرده است، چه بیلی پاول باشد یا هر کسی غیر از او. این عین حقیقت است. او زمانی که آن وعده‌ها را ادا کرد، ازدواج کرد. به نظر من همان است.^۴

مکاشفه‌ی ازدواج و طلاق

"۳۰۹. حال، ما فقط بخاطر تفسیر نادرست الهیات در این آشفتگی قرار داریم. درست است؟ به این دلیل است که شما زنان برای دومین بار ازدواج کردید و شما مردان، بخاطر تفاسیر نادرست الاهیات. حال می‌خواهم چیزی را به شما نشان بدهم که او به من گفت.

۳۱۰. و خدا، خالق ما، عیسی مسیح، وقتی اینجا بر روی زمین بود این سؤال از او پرسیده شد. و زمانی که نبی نجات بخش او موسی در مصر پیش آمد تا فرزندان را از مصر بیرون بیاورد و آنها را در سرزمین وعده قرار دهد، اینجا عیسی گفت که موسی قوم را در این شرایط دید و اجازه داد که طلاق‌نامه بنویسند، چون شرایط آن‌گونه‌ای بود که بود. چیزی مثل «اجازت داد» خدا به موسی این اجازه را داد. به آن نبی که برای قوم فرستاده بود، تا اجازه‌ی نوشتن طلاق‌نامه را به آنها بدهد.

۳۱۱. و در اول قرن‌تین باب ۷، آیات ۱۲ و ۱۵ نبی در عهد جدید، که همان شرایط را در کلیسا دید و این را گفت: "این را من می‌گویم، نه خداوند." درست است؟ بخاطر شرایط طلاق.

۳۱۲. «در ابتدا چنین نبود»، ولی به موسی این اجازه داده شد و خدا آن را عدالت محسوب کرد. پولس هم یک حق داشت، زمانی که کلیسای خود را در آن شرایط یافت.

۳۱۳. حال، شما به درست بودن این ایمان دارید و ایمان دارید که از جانب

^۴ ۵۹-۰۶۲۸E، پرسش و پاسخ #۳، برادر ویلیام ماریون برانهام

خداست و با اثبات توسط آن ابر و پیغام او که مرا تا اینجا آورده است، آیا خدا نباید بالای کوه اجازه بدهد که همان کار را بکنم و اجازه بدهم در هر شرایطی که هستید بمانید و دیگر آن را انجام ندهید؟ با همسرانتان بروید و در آرامش زندگی کنید، چون وقت تنگ است. آمدن خداوند نزدیک است. وقت نداریم که این چیزها را باز کنیم. به هیچ عنوان دیگر این کار را نکنید. من فقط دارم با جماعت خودم صحبت می‌کنم. ولی اگر متأهل هستید... خدا در این مورد بر روی کوه بر من شهادت داد که می‌توانم این را بگویم، یک مکاشفه‌ی ماوراءالطبیعه بخاطر بازگشایی هفت مهر و این موضوعی است از کلام خدا. "بگذار همان‌طور که هستند پیش بروند و دیگر گناه نکنند."^۵

۳۱۴. «در ابتدا چنین نبود»، درست است، چنین نبود. در انتها هم چنین نخواهد بود.^۵

برادر برانهام در شرح مکاشفه‌اش به موسی و پولس اشاره می‌کند که نسبت به شرایط، مکاشفه‌ای خاص دریافت می‌کردند. بیایید نگاهی به آنها بیندازیم.

^۱ چون کسی زنی گرفته، به نکاح خود درآورد، اگر در نظر او پسند نیاید از اینکه چیزی ناشایسته در او بیابد، آنگاه طلاق‌نامه‌ای نوشته، به دستش دهد، و او را از خانه‌اش رها کند^۲ و از خانه‌ی او روانه شده، برود و زن دیگری شود. "تثیه ۱:۲۴-۲"

در اینجا موسی اجازه‌ی طلاق و ازدواج مجدد به دلیل ناپاکی را می‌دهد، اما عیسی در عهد جدید اجازه ازدواج مجدد زن و مرد را نمی‌دهد. او در طول موعظه‌ی ازدواج و طلاق تأکید می‌کند که مرد بعنوان نمونه‌ی مسیح می‌تواند طلاق گرفته و ازدواج مجدد کند، البته اگر همسرش نسبت به او مرتکب گناه زنا شده باشد، اما زن نمی‌تواند چنین کاری کند. رومیان ۷:۲ می‌گویند که بنا بر شریعت، زن شوهردار تا زمان

^۵ ۱م-۲۳-۶۵، ازدواج و طلاق، برادر ویلیام ماریون برانهام

زنده بودن شوهرش، به او بسته است. اما این را در مورد مرد نمی گوید، بلکه تنها در مورد زن می گوید. مرد می تواند ازدواج مجدد کند، اما زن نه.

^{۱۲} و دیگران را من می گویم نه خداوند که اگر کسی از برادران زنی بی ایمان داشته باشد و آن زن راضی باشد که با وی بماند، او را جدا نسازد. ^{۱۳} و زنی که شوهر بی ایمان داشته باشد و او راضی باشد که با وی بماند، از شوهر خود جدا نشود. ^{۱۴} زیرا که شوهر بی ایمان از زن خود مقدس می شود و زن بی ایمان از برادر مقدس می گردد و اگر نه اولاد شما ناپاک می بودند، لکن الحال مقدسند. ^{۱۵} اما اگر بی ایمان جدایی نماید، بگذارش که بشود، زیرا برادر یا خواهر در این صورت مقید نیست و خدا ما را به سلامتی خوانده است. ^{۱۶} اول قرنتیان ۷:۱۲-۱۵

در اینجا پولس رسول می گوید که اگر شریک بی ایمان شما را به دلیل ایمانتان ترک کند، شما اسیر پیمان ازدواج نیستید.

بنابراین، برادر برانهام گفت که از طرف خدا این اجازه را به شوهران و همسران داده است که به زندگی مشترکشان ادامه دهند و همان گناه را بار دیگر تکرار نکنند. آنها به دلیل تعلیم اشتباه طلاق گرفته و بار دیگر ازدواج کردند. حال باید آن طور که هستیم، باقی بمانند و هرگز این گناه را تکرار نکنند.

خلاصه:

۱. اگر زن مرتکب زنا شود، شوهر می تواند طلاق گرفته و ازدواج مجدد کند.
۲. زن فقط زمانی می تواند ازدواج مجدد کند که شوهرش مرده باشد.
۳. ابطال همان طلاق است.
۴. اگر شما خارج از ارادهی کامل خدا طلاق گرفته و ازدواج مجدد کرده اید، به مسیرتان ادامه دهید و دیگر این گناه را مرتکب نشوید.

چگونه حقانیت کتاب مقدس را ثابت کنیم؟

چرا می‌خواهیم در مورد «حقانیت کتاب مقدس» صحبت کنیم؟ ما مطمئناً درک می‌کنیم که خداوند بارها کلامش را به اثبات رسانده است. لیکن شیطان با حمله‌های زیرکانه در این دوره می‌خواهد کتاب مقدس را منسوخ، بد، ضد زن و غیره نشان دهد. مدارس، رسانه‌ها، سرگرمی‌ها و فرهنگ دائماً تلاش می‌کنند تا ما را قانع کنند که کتاب مقدس درست نیست. حتی طبیعت گناه‌آلود خود ما نیز اغلب به ما می‌گوید که کتاب مقدس درست نیست.

درک این مطلب مهم است که ما اعتماد کامل به کتاب مقدس داریم. کتاب مقدس به ما نشان می‌دهد که باید چگونه زندگی کنیم. کتاب مقدس به ما از نقشه‌ی خدا برای دنیا، خانواده‌مان، دوستان‌مان و خودمان تعلیم می‌دهد. این فقط یک کتاب نیست که توسط چند مرد نوشته شده باشد، این کلام خداست.

ما مشخصاً می‌توانیم با خواندن محتویات کتاب مقدس و مطالعه‌ی تاریخ بفهمیم که آن کلام خداست. تاریخ کلام خدا را معتبر می‌داند.

اعتراضات

اعتراضات بسیار و متداولی علیه کتاب مقدس می‌شنویم. اولین اعتراض این است که کتاب مقدس توسط انسان نوشته شده است، نه توسط خدا. قطعاً کتاب مقدس توسط انسان نوشته شد. با این حال، این کل تصویر نیست.

"تمامی کتب از الهام خداست و به جهت تعلیم و تنبیه و اصلاح و تربیت در عدالت مفید است." دوم تیموتائوس ۱۶:۳

کتاب مقدس توسط مردانی که تحت الهام خدا بودند، نوشته شد. عبارت «الهام خدا» در زبان یونانی یک کلمه است و به معنای «دم خداوند»^۶ است. کتاب مقدس از دهان خدا آمده است. خدا کلامش را به ذهن این مردان که بدین منظور تعیین شده بودند، دمید.

"زیرا که نبوت به اراده‌ی انسان هرگز آورده نشد، بلکه مردمان به روح القدس مجذوب شده، از جانب خدا سخن گفتند." دوم پطرس ۱:۲۱

کتاب مقدس از دهان خدا به مردان مقدس دمیده شد، آنها نیز با هدایت روح القدس آن را نوشته و اعلام کردند. کتاب مقدس توسط خدا از طریق انسان نوشته شد.

اعتراض دیگر این است که کتاب مقدس خود را نقض می‌کند. این بخش برای رسیدگی به تضادهای تصور شده نیست، با این حال هر تضادی دارای یک پاسخ است.

یکی دیگر از اعتراض‌های مهم علیه کتاب مقدس این است که اکتشافات علمی با آن در تضاد است. اولاً علم به نتیجه نمی‌پردازد، بلکه به مشاهداتی براساس آزمایش می‌پردازد. همان‌طور که مشاهدات بیشتر در دسترس قرار می‌گیرد، اغلب علم پذیرفته شده به طور کامل منسوخ می‌شود و نظریه‌های جدید پذیرفته می‌شوند. نکته مهم دیگر این است که کتاب مقدس و جهان‌بینی آن ما را به نتیجه‌ی منطقی می‌رساند که اگر مطالعه کنیم، می‌بینیم حقایقی در جهان وجود دارد که باید کشف شود. بدون کتاب مقدس دنیای طبیعی مملو از هرج و مرج و پوچی است. علم فرض می‌کند که پاسخ‌هایی وجود دارند و دنیای طبیعی دارای نظم است و این جهان‌بینی از کتاب مقدس نشأت گرفته نه از بی‌خدایی.^۷

God-breathed^۶
آتیسیم^۷

چطور می‌دانیم که کتاب مقدس درست است؟

کتاب مقدس دارای یک پیغام است، پیغامی که کم کم در طول تاریخ انباشته شده است. موضوع اصلی کتاب مقدس چیست؟ این پیغام در طول تمام کتاب مقدس یکی است. هیچ کتاب دیگری که در طول ۳,۴۰۰ سال و توسط ۴۰ نویسنده‌ی مختلف نوشته شده باشد، این کار را نکرده است. این امر به تدریج در طول زمان آشکار شد و مکاشفه‌ی هدف خدا در طول زمان روشن تر می‌شود، بدون اینکه در مقطعی تغییر چشمگیری داشته باشد.

کتاب مقدس از چهار جهت با کتاب‌های دیگر متفاوت است، مخصوصاً کتاب‌های هم دوره‌اش، در عهد باستان. از هیچ کتاب باستانی دیگری چنین نسخه‌های زیادی یافت نشده است. تقریباً همه‌ی نسخه‌ها مثل هم هستند، چه قدیمی باشند چه جدید. کتاب‌های دیگر آن دوره کارهای شریری را که پادشاهان انجام داده بودند، مخفی می‌کنند ولی کتاب مقدس گناهان پادشاهان، کاهنان و انبیاء را بدون تبعیض بیان می‌کند. در خاورمیانه کتاب دیگری وجود ندارد که ایمان به خدای واحد را تعلیم دهد. تمام فرهنگ‌های آن زمان به خدایان متعدد معتقد بودند.

یافته‌های باستان شناسی در طول تاریخ دقت شگفت‌انگیز کتاب مقدس در شرح وقایع تاریخی را نشان داده است. آنها بارها و بارها مصنوعات را پیدا می‌کنند که صحت کتاب مقدس را تأیید می‌کند. باستان شناسان در سال ۱۹۹۳ در اسرائیل سنگی شکسته را پیدا کردند که روی آن نوشته شده بود: "پادشاه سوریه، پادشاهان اسرائیل و پادشاه خان‌های داوود را کشت." می‌توانید این داستان را در دوم پادشاهان ۱:۱۳-۲۵ بخوانید. آنها در سال ۱۸۴۳ شهری را که در کتاب اشعیا ۱:۲۰ آمده است، کشف کردند. در صورتی که قبلاً فکر می‌کردند این یک شهر خیالی است و وجود خارجی ندارد.

ماهیت نبوتی کتاب مقدس صحت آن را ثابت می کند. کتاب اشعیا باب ۵۳، ۸۰۰ سال پیش از اینکه عیسی مصلوب شود، نوشته شد. مزامیر ۲۵:۲۰ و انجیل یوحنا به صلیب کشیده شدن را توصیف می کنند. اینها مجازات های عادی در زمان داوود یا اشعیا نبودند. این کار برای مدت کوتاهی توسط رومیان انجام می شد و تقریباً ۱۰۰۰ سال پیش از وقوع این حادثه نوشته شده بود. زکریا ۹:۹ توسط انجیل متی ۲۱:۲-۴ به تحقق می پیوندد. زمانی که عیسی سوار بر یک الاغ وارد اورشلیم می شود و مردم او را بعنوان پادشاه تحسین کردند، زکریا این اتفاق را ۶۰۰ سال پیش از آنکه رخ دهد، نبوت کرده بود. میکا ۵:۲، ۸۰۰ سال پیش از اینکه عیسی در بیت لحم به دنیا آید، نوشته شد. دانیال باب ۲ در مورد سه امپراطوری که در آن زمان خواهند آمد، گفت: فارس، یونان و سپس روم.

همچنین یک پیش الهی در مورد اینکه سیاره چطور عمل می کند، وجود دارد. اشعیا ۲۲:۴۰ در مورد گسترش مداوم کیهان صحبت می کند، اما این تا سال ۱۹۲۰ کشف نشده بود. ایوب ۱۰:۲۶ نشان می دهد که زمین کروی است و در ۷:۲۶ نشان می دهد که زمین در فضا معلق است و بر روی چیزی قرار ندارد. این ۳۵۰۰ سال پیش از اینکه علم آن را کشف کند، نوشته شد.

پیش از اینکه این بخش را به اتمام برسانم، می خواهم شما را با بیانیه ی کوتاهی از کتاب «چطور می دانیم کتاب مقدس درست است»^۸ تنها بگذارم:

منظور ما از کلام خارجی، منابع غیر کتاب مقدسی است. حقایق روشن هستند، کتاب مقدس در مقایسه با تمام کتاب های باستانی (مانند ایلیاد هومر، جمهوری افلاطون، جنگ های گالیک سزار)،^۹ دارای قدیمی ترین نسخه ها، بیشترین تعداد نسخه و دقیق ترین نسخه ها است.

How We Know the Bible is True ^۸
Homer's Iliad, Plato's Republic, Caesar's Gallic Wars ^۹

سرفردریک کنیون^{۱۰} می‌گوید: "می‌توان به یقین اعلام کرد که متن کتاب مقدس معتبر است. بخصوص این موضوع در مورد عهد جدید صدق می‌کند. تعداد دست‌نوشته‌های اصل از عهد جدید، نخستین ترجمه‌های کتاب مقدس و نقل قول‌هایی از آن در نوشته‌های قدیمی‌ترین نویسندگان کلیسا آن قدر زیاد است که عملاً معلوم است متن حقیقی هر کتاب مشکوک در برخی از نسخه‌های دیگر نیز وجود دارد. این را نمی‌توان در مورد کتاب‌های باستانی دیگر دنیا گفت."

تمامی کتاب مقدس به جز یازده آیه را می‌توان از نقل قول‌های پدران کلیسا باز نشر داد. این یک دروغ نیست و جعل نشده است. شاگردان شما باید بدانند که کتاب مقدس عاری از اشتباه و لغزش‌ناپذیر است. عبارت «عاری از اشتباه» به گمراه نکردن اشاره دارد. بنابراین کتاب مقدس در تمام مسائل یک راهنمای امن و قابل اعتماد است. «عاری از لغزش» نیز به معنای جدا بودن از تمام دروغ‌ها و اشتباهات است، پس کتاب مقدس به این شکل قابل اعتماد است. خود خدا گفته که کلام او محو نخواهد شد (انجیل یوحنا ۱۰:۳۵).

بسیاری از مورخان غیر مذهبی و باستان‌شناسان از بسیاری از ادعاهای کتاب مقدس حمایت می‌کنند. همان‌طور که نلسون گلوک^{۱۱} باستان‌شناس معروف یهودی نوشته است: "بطور قطع باید گفت که هیچ یافته‌ی باستانی کشف نشده که با ارجاعات کتاب مقدس در تضاد باشد."

همچنین ویلیام اف. آلبرایت^{۱۲} (ملقب به «پدر باستان‌شناسی مدرن») می‌گوید: "جای شکی وجود ندارد که باستان‌شناسی، تاریخی بودن عهد عتیق را تأیید کرده است."

Sir Frederick Kenyon^{۱۰}

Nelson Glueck^{۱۱}

William F. Albright^{۱۲}